نقد و بررسی کتاب «جبر و اختیار» اثر محمدتقی جعفری ـ آزاده عباسی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال چهاردهم، شماره ۵۴ «ویژه عدل الهی»، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۶۶ـ ۱۸۳

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

نقد و بررسی کتاب «جبر و اختیار» اثر استاد محمدتقی جعفری

آزاده عباسی*

چکیده: کتاب «جبر و اختیار» از جمله آثار نوشته شده در مورد بحث جبر و اختیار به قلم مرحوم استاد محمدتقی جعفری می‌باشد. از آنجا که این بحث در علوم گوناگونی از جمله فلسفه، کلام و مباحث انسان شناسی مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد، کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده‌اند و هریک از زوایای مختلف به موضوع نگاه کرده‌اند. استاد محمد تقی جعفری خواسته نگاه جامعی به موضوع جبر و اختیار داشته باشد. همین ویژگی آن را از سایر کتب نوشته شده در این زمینه متمایز ساخته است. این نوشتار درصدد بررسی و نقد این اثر می‌باشد.

کلیدواژهها: جبر؛ اختیار؛ محمدتقی جعفری؛ جبر و اختیار (کتاب).

*. عضو هیات علمی دانشگاه علوم قرآن و حدیث dr.azadeabbasi@gmail.com

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

مقدمه

بحث جبر و اختیار از جمله مباحث انسان‌شناسی و جهان‌بینی است و ناظر به نقش آدمی در انجام کارها و مناسبات و حوادثی است که برای او رخ می‌دهد. انسان همیشه این دغدغه را داشته است که آیا در عالم نقشی ایفا می‌کند یا اینکه همه چیز بدون اراده و خواست او انجام می‌شود. به همین جهت اکثر متفکران به این مسأله توجه کرده‌اند. از آنجا که این بحث یکی از مسائل مهم و معضلات فلسفی است، در طول تاریخ، فیلسوفان شرق و غرب در باب آن به تأملات بسیار پرداختند. (جعفری؛ شرح مثنوی؛۱/ ۲۷۹) فیلسوفان اسلامی در لابلای مباحث مربوط به کیفیات نفسانی، اصل علیت و صفات الهی در این زمینه سخن گفتند. گروهی طرفدار آزادی و گروهی طرفدار جبر بوده‌اند. گروهی هم «امر بین الامرین» را مورد نظر قرار داده‌اند. طبعاً هر کدام برای مقاصد خود دلایلی را ارائه کرده‌اند.

جبر به معنای آن است که انسان هیچگونه اختیاری نداشته و به انجام امور و افعال خود مجبور است. جبری‌ها می‌گویند افعال بندگان به اراده خدا واقع می‌شود، خواست و اراده بنده هیچ نقشی در آن ندارد و مانند ابزار دست است که چه بخواهد و چه نخواهد، فعل انجام خواهد شد.

در نقطه مقابل، تفویض به این معنا است که افعال بنده تحقق پیدا می‌کند و اراده خداوند متعال هیچ نقشی در آن ندارد. حتی اگر خداوند فعلی را اراده کند، ولی بنده آن را اراده نکند، واقع نمی‌شود. و بالعکس اگر بنده اراده کند ولی خداوند اراده نکند، واقع خواهد شد.

دیدگاه دیگر در برابر این دو گروه وجود دارد که از آن به «امر بین الامرین» تعبیر می‌شود. یعنی این که خداوند متعال اراده کرده که بنده فعل را با ارادهٔ خود بجا آورد.

جبر و اختیار در فلسفه عصر جدید به موازات پیشرفت علوم طبیعی، موضوع تأمل‌اندیشه ورزان شد. البته فیلسوفان باستان و قرون میانه نسبت به این دو مفهوم بی‌اعتنا نبودند، ضمن آن که برای آنان در این رهگذر، مفاهیم «ضرورت و تصادف» نیز شایان توجه بوده است.

در خصوص بحث جبر و اختیار؛ کتابهای متعددی نوشته‌اند. تاریخ آغاز بحث از این مسأله مشخص نیست، ولی یکی از متفکران گذشته که به طور مفصّل و تقریبا منظّم به این بحث پرداخته، ارسطو است. متفکران بعد از ارسطو این راه را ادامه داده‌اند. در میان مسلمانان این نگارش‌ها از قرون ابتدایی بعد از اسلام دیده می‌شود؛ بعدها دانشمندانی از مغرب زمین نیز به این بحث پرداخته‌اند. در نوشتار حاضر کتاب «جبر واختیار»، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

زندگی‌نامه و آثار مؤلف کتاب

استاد محمد تقی جعفری به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شهر تبریز متولد شد و علوم اسلامی را در شهرهای تبریز، تهران، قم و نجف اشرف در محضر آیات عظام، میرزا فتاح شهیدی، شیخ محمدرضا تنکابنی، شیخ کاظم شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم، کسب فیض نمود. استاد بر اثر بیماری در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۵ به رحمت ایزدی پیوست. (رک: مقاله گفتگو در باب شخصیت علمی و اخلاقی استاد محمد تقی جعفری؛ سروش‌اندیشه بهار ۸۵؛ شماره ۱۴)

جعفری در زمینه‌های: فقه، علوم سیاسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، معارف اسلامی، نظریه زیبایی و هنر در اسلام، مباحث فلسفی و کلامی، بیش از ۸۰ اثر نوشته است. تحت نظارت ایشان و طی ۱۲ سال کشف الابیات مثنوی مولوی در ۴ جلد رحلی تحت عنوان «از دریا به دریا» منتشر شده است. همچنین شرح و تفسیر او بر نهج البلاغه در ۲۷ جلد به زبان فارسی چاپ شده است. کتاب او در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

زمینه حقوق بشر و مقایسه آن با حقوق بشر در اسلام به زبان انگلیسی و ژاپنی نیز ترجمه و چاپ شده است. ده‌ها متفکر از سراسر جهان با ایشان مذاکرات علمی داشته‌اند که بیش از ۵۰ فقره از این مذاکرات در ۲ جلد کتاب تحت عنوان «تکاپوی اندیشه‌ها» منتشر شده است. مکاتبات علمی او با "برتراند راسل" فیلسوف انگلیسی همراه با نقدهای استاد جعفری به برخی از نظریات راسل، نقد نظریات آلفرد نورث وایتهد پدر منطق ریاضی، و در نقد و تحلیل فلسفه پوزیتیویستی و نئوپوزیتیویستی معاصر غرب مانند کانت، هگل، دکارت و دیوید هیوم منتشر شده است. (رک: فهرست آثار علامه محمد تقی جعفری، کتاب ماه دین، آبان ۱۳۷۷، شماره ۱۳)

معرفی مختصر کتاب جبر و اختیار

نویسنده، نگارش کتاب «جبر و اختیار» را در خرداد ماه ۱۳۴۳ به اتمام رسانیده‌اند. چند بار در سالهای پیش توسط ناشران مختلف منتشر شده و در سالهای اخیر، مؤسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری، بارها این کتاب را به چاپ رسانیده است. در این گفتار چاپ چهارم کتاب مورد نظر است که مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری به سال ۱۳۸۶ منتشر کرده است. تمام ارجاع‌ها بر اساس همین چاپ است.

نویسنده در مقدمه کتاب انگیزه و هدف خود از نوشتن این کتاب را چنین بیان می‌کنند: «برخی می‌گویند که این مسأله [جبر و اختیار] برای ابد ناگشودنی بوده و مباحث وارده درباره این مسأله به جایی نخواهد رسید. می‌گوییم در امتداد تاریخ هرگونه مشکلات علمی برای عده‌ای یأس آور بوده است و سپس با گذشت اعصار و قرون و کوشش‌ها، در نتیجه تلاشهای خستگی ناپذیر و خالصانه، همان مشکلات از حالت مرموز بودن در آمده و در معرض بهره‌برداری قرار گرفته است. لذا ما هیچ گاه نومیدی و یأس را به خود راه نخواهیم داد و با امیدواری

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

منطقی شروع به کار مقدمات خواهیم کرد؛ باشد که نتیجه کوشش قرون آینده بتواند پرده اسرار آمیز این معما را هرچه بیشتر به کنار زده و در شناخت طبیعت انسانی گام مؤثرتری برداشته شود.»

این کتاب سه فصل اصلی دارد.

در فصل اول مسأله جبر و آزادی از جنبه علمی خالص مورد بررسی قرار گرفته و بیشتر به فلسفه‌های غربی، یافته‌های روانشناسی و انسان شناسی پرداخته شده است. این فصل از کتاب، که حجم عمده‌ای از کتاب را به خود اختصاص داده، به نقل نظر مکاتب گوناگون جهان در مورد مسئله جبر و اختیار پرداخته است.

در فصل دوم، نویسنده، مسأله را از بعد فلسفی بررسی کرده و به تحلیل نظریات مختلف در این باب پرداخته است. این فصل از کتاب بیشتر به نقل نظریات اندیشندان اسلامی اختصاص دارد.

فصل سوم که بخش کوچکی از کتاب را شامل می‌شود، به بررسی چند مسأله مرتبط با جبر و اختیار پرداخته و تعارض آنها را با اختیار انسان و سنتهای ثابت الهی در جهان، بررسی و تحلیل می‌کند.

اینک هر یک از این فصول به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فصل اول : ملاحظه جبر و آزادی و اختیار از جنبه طبیعی و علمی

در این فصل فعالیت خود انسان از جنبه علومی که مربوط اوست مورد مداقه قرار می‌گیرد. در این راستا عوامل متعددی که دانشمندان برای فعالیت یا انجام کارها و در نقطه مقابل برای ترک آن افعال در نظر گرفته‌اند، بررسی می‌گردد. دانشمندان عوامل متعددی را در این خصوص ذکر می‌کنند؛ مانند: جلب نفع و دفع ضرر؛ دستیابی به شخصیت مورد توجه دیگران؛ ارضای وجدان و یا تقرب به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

خداوند.

نویسنده، علاوه بر توضیح نظر دانشمندان در زمینهٔ اراده و کار و اختلاف انواع اراده؛ عوامل دیگری را نیز بر دلایل فوق در انگیزش روحانی انسان برای انجام کارها و یا ترک آن مؤثر می‌داند.

نویسنده ضمن شرح این موضوع به بررسی نظریات دانشمندان غربی در این زمینه می‌پردازند. ایشان نظریه مکتب جبر را درباره تطبیق قانون علیت به تمام کارهای انسانی متذکر می‌شوند، و پس از بررسی دیدگاه هیوم در باب تشکیک در اصل قانون علیت، این اصل را مشروحاً مورد نظر قرار می‌دهند و پیرو آن بحث اختیار را در رابطه با علیت علت و معلول را تبیین می‌کنند.

بعد از آن در بحث اراده ساحتهای مختلف اراده مورد توجه قرار می‌گیرد و دیدگاه‌های شوپنهاور، هوگو، برکلی و دیگران بررسی می‌گردد.

آنگاه نظریه مکتب جبر درباره تطبیق قانون علیت به تمام کارهای انسانی بحث می‌شود.

فصل دوم: ملاحظه جبر و آزادی از جنبه ماوراء طبیعی (فلسفه الهی)

در این فصل افعال انسانی، از آن جهت که خداوند جهان و انسان هم در آن دخالتی دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. سؤال این فصل آن‌ست که آیا تمام کارهای صادر از انسانها، مخلوق خداوند است و انسان ابزاری بیش نیست یا تمام کارهای اختیاری انسانها دو نسبت دارد: نسبتی به خداوند و نسبتی به خود انسان؟ این نسبت کدام است؟ آیا می‌توان گفت که خداوند هیچگونه دخالتی در کارهای انسانی ندارد؟

اجمال نظریات منقوله درباره جبر و اختیار از نظر ماورای طبیعی:

۱- جبریون مطلق. اینان می‌گویند: نسبت دادن کار به انسان مانند نسبت دادن کار

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

است به جمادات و نباتات و حیوانات. چنانکه اشیاء مزبور در کارها و حرکات خود کوچکترین اختیاری ندارند، هم چنین انسان به هیچ وجه اختیاری ندارد، و او- اگر چه خود احساس نمی‌کند- ابزاری بیش نمی‌باشد.

۲- مکتب وحدتی‌ها. این مکتب میان خداوند و موجودات هیچ گونه تغایری نمی‌بیند، بلکه خداوند را صورت اجمالی موجودات و موجودات را صورت تفصیلی خداوند می‌داند. لذا نبایستی این مسئله را بررسی کند، زیرا نه خالقی هست و نه مخلوقی، تا ببینیم دخالت صورت اجمالی (خدا) در کارهای صورت تفصیلی (موجودات) از چه قرار است؟

اگر حقیقت چنین مکتبی در جهان بشریت وجود داشته باشد، مسئله جبر و اختیار برای آن مکتب قابل طرح نیست.

۳- کسبیّون. اینان که پیروان ابوالحسن اسماعیل اشعری می‌باشند، ادعا می‌کنند که انسان، قدرت و اراده‌ای دارد و هردو به کار انسانی تعلق می‌گیرد. ولی هیچ یک از آن قدرت و اراده تأثیر در کار انسانی ندارد، یعنی علت کار قدرت و اراده انسان نیست، بلکه علت حقیقی کار خود خداوند است، و انسان کار را کسب می‌کند. از اشخاص برجسته این مکتب، ابوبکر باقلّانی است.

۴- نظریه ابواسحاق اسفراینی.

قدرت انسان و خداوند در کار انسانی مؤثر است؛ قدرت انسانی درباره کار به عنوان کسب و قدرت خداوند به عنوان کمک می‌باشد. این نظریه، صورت نرم‌تری از نظریهٔ کسب اشعری است، زیرا در کسب اشعری قدرت خداوند در تأثیر، اصالت دارد.

۵- نظریه معتزلی‌ها. کار از خود انسان و یا تأثیر قدرت او صادر می‌گردد، قدرت خداوندی در کار انسانی دخالتی ندارد و اراده انسان در انجام کار احتیاج به داعی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

نیز ندارد.

۶- نظریه عده‌ای از اشراقیون و مشائیون اسلام.

فیاض برای تمام حوادث، خود خداوند است و تمام عوامل کار از قبیل علل اعدادیه (استعداد دهنده) می‌باشند، مانند نیروی بازوی تیرانداز برای رها شدن تیر از کمان.

۷- نظریه امامیه (امر بین الامرین).

اصلِ قدرتِ تمام وسایلی که عوامل طبیعی کار می‌باشند، از خداوند است، ولی بهره‌برداری اختیاری از آن قدرت و وسایل مربوط به انسان می‌باشد.

شیعیان این معنی را از خاندان عصمت گرفته‌اند، زیرا ثابت شده است که جمله «لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین یا: بل منزلة بین المنزلتین» و مشابه این دو جمله از امامان صادر گشته است.

در توضیح اصل امر بین الامرین، میان فلاسفه و متکلمین امامیه و سایر فرقه‌های اسلامی در اعصار اخیر، اختلافی وجود دارد. بهترین تشبیهی که در این باره دیده شده است همان است که مؤلف از استاد خود آیت الله سید ابوالقاسم خویی در نقل می‌کند. اجمال تشبیه مذکور این است:

«فرض کنیم یک فرد از انسان مبتلا به فلج است، به طوری که توانایی حرکت ندارد، و ما می‌توانیم با وصل کردن سیم برق او را به حرکت وادار کنیم. در هنگام این حرکت، کلید برق در دست ما است به طوری که هر لحظه بتوانیم آن شخص را از حرکت بازداریم. این کارها با اختیار او انجام خواهد گرفت، خواه کار بد یا کار خوب. آنچه که از این کار به ما مستند است، نیرو و قدرتی است که ما توسط برق در او ایجاد کرده‌ایم، و در هر لحظه می‌توانیم آن قدرت را از او سلب نماییم، اما این کار را نمی‌کنیم و به حال خود می‌گذاریم. فقط طرز

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

بهره‌برداری از این نیرو که ما به او داده‌ایم، مربوط به اختیار او است و به ما تعلقی ندارد.

همین گونه در کارهای صادره از ما، نیرو از خداوند است که در هر لحظه ریزش آن نیرو از فیاض مطلق انجام می‌گیرد، و در هر لحظه هم می‌تواند آن را قطع کند. ولی اختیار بهره‌برداری از آن نیرو کاملاً به دست ما است. بنابراین ما هنگامی که بهترین کار را انجام می‌دهیم، باز نیرو از او بوده و اختیار بهره‌برداری از ما است. معنای «**لا حول و لا قوه الا بالله**» هم این است. (جبر و اختیار، ص۲۲۶-۲۲۷)

در این فصل کارهای صادره از انسان است، با نظر به مربوط بودن آن کارها به خداوند بررسی می‌شود که آفریننده انسان است، و آیاتی از قرآن مجید هم در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

البته به ادعای نویسنده، مطالب این فصل تنها در مکتب الهیون قابلیت طرح شدن دارد، زیرا تمام مسائل با تسلیم به وجود یک موجود برتر که در کارهای انسانی دخالت دارد، انجام خواهد گرفت.

در پایان این فصل، مطالب متعدد دیگری با ادله قرآنی بحث شده است: خالقیت مطلق خداوند و کارهای انسانی؛ اراده خداوند و کارهای اختیاری انسانها؛ مشیت خداوندی و کارهای اختیاری انسان؛ علم خداوندی به کارهای اختیاری انسان؛ نسبت خوبی‌ها به خداوند و بدی‌ها به انسان؛ قضا و قدر و کارهای اختیاری انسان.

فصل سوم: ملحقات جبر و اختیار

در این فصل به مطالب مهمی از ملحقات بحث جبر و اختیار پرداخته شده است.

۱. بدا- آنچه در قرآن مجید درباره بدا وارد شده، این آیه است: «**یمحوا الله ما یشاء**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

و یثبت و عنده ام الکتاب» (سوره رعد آیه ۳۹) خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که بخواهد اثبات می‌کند. امامیه قائل به امکان بدا می‌باشد.

نویسنده می‌گوید: آنچه برای ما باعث اشتباه می‌شود، این است که ما هر وضع مفروضی را که در جهان هستی تصور می‌کنیم، گمان می‌کنیم که در علم خداوندی نیز همان وضع بطور جامد ثبت شده است و خلاف آن وضع، موجب تغییر در علم خداوند خواهد گشت.

تشبیه میرمحمد باقر داماد دربارهٔ بدا، بسیار جالب است:

«بدا در جهان هستی، هماهنگ و شبیه به نسخ قوانین است. چنانکه نسخ قوانین مجعوله، دلیل بر پشیمانی یا جهالت وضع کننده نیست، بلکه کاشف از پایان رسیدن نیروی آن قانون است، هم چنین بدا در جهان طبیعت چنین است.» (جبر و اختیار، ص ۲۸۹)

۲. پدیده شرور و ناملایمات

نه تنها انسان، بلکه تمام جانداران در امتداد زندگی با مصائب و شرور و ناملایمات گوناگونی روبه‌رو می‌شوند. تلخی‌ها و ناکامی‌ها گویی زندگانی هر انسانی را تیره و تار می‌سازد. جواب‌های مختلفی از فلاسفه و متفکرین در این بخش از کتاب آمده است.

۳. نیایش و جهان سیستماتیک (قانونمند)

بعضی از مردم می‌پندارند که نیایش و استجابت آن، مخالف سیستماتیک بودن جهان طبیعت است و خداوند اگر خواستهٔ یک فرد را اجابت نماید، جهان طبیعت را دگرگون کرده است.

همانطور که در بحث بدا توضیح داده شد، دوام تسلّط خداوند بر جریان دستگاه هستی، هیچگونه منافاتی با سیستماتیک بودن جهان و هماهنگی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

پدیده‌های آن ندارد.

در این مسأله که «نیایش و دعا با هماهنگی جهان هستی چگونه سازگار است»، متفکرین زیادی اظهارنظر کرده‌اند، که در بخش پایانی به آن اشاره شده است.

به بیان نویسنده، روشن است که دعا یک نیروی حقیقی، غیر از نیروهای در قلمرو جهان درونی و بیرونی ایجاد می‌کند و می‌توان گفت: با این فرض که دعا چنین نیرو را به طور طبیعی و حقیقی ایجاد می‌کند، وجود اثر مناسب برای چنین نیرو در خارج، با هیچ اصل علمی منافات ندارد. (جبر و اختیار، ص ۲۹۹)

ویلیام جیمز در نامه‌ای به یکی از دوستان خود نوشته است:

«در پیرامون ما جهانی معنوی وجود دارد که ارتباط بسیار نزدیکی با دنیای مادی دارد، از اولی یعنی جهان معنوی نیرویی فیضان دارد، که دومی یعنی عالم ماده را نگهداری می‌کند. و این همان نیرویی است که روح ما را زنده نگه می‌دارد. معنویات ما از آن جا برقرار است که سیاله‌ای لاینقطع از این نیرو در ما وارد می‌شود. شدت این سیاله معنوی، مدام متغیر است، درست مانند نیروی غذایی و مادی که در بدن ما وارد می‌شود، متغیر است.» (همان، ص ۳۰۳)

استاد جعفری در آثار دیگر خود نیز در این موضوع سخن گفته است.

وی، آزادی را به معنای قدرت انتخاب «یکی از دو چیز» می‌داند (زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۳۷) و انسان به دو علت برخوردار از آن است. یکی آن که انسان هر آنچه را که اراده‌اش می‌تواند به آن تعلق گیرد، می‌تواند آن را انتخاب کند. دیگر اینکه او آزاد در انتخاب عملی است که اراده‌اش بر انجام آن تعلق گرفته و درک می‌کند و می‌فهمد که قدرت بر نفی یا عدم انجام فعل یا تغییر مسیر آن را دارد. (جعفری؛ جبر و اختیار، ص ۷۴)

نویسنده، این سطح از آزادی را در تمایز انسان با دیگر موجودات – خاصّه در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

تمایز با حیوانات – ذکر می‌کند، بنابراین ضروری انسان می‌شود و از آن جدا شدنی نیست و جدا شدنش به منزله در ردیف حیوانات قرار گرفتن اوست. نوع دیگر آزادی، «آزادی اختیار» است. این نوع آزادی در حد مرز میان انسان‌ها و مراتب انسانی و مراتب برخورداری از حیات معقول یا قرب به آن است. (جعفری؛ تکاپوی اندیشه‌ها، ص ۳۵۹)

وجوه امتیاز کتاب

کتاب جبر و اختیار مرحوم جعفری ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر آثار جدا می‌کند:

ویژگی اول: نقل نظرات گوناگون در بحث جبر و اختیار و تبیین آنها

معمولاً تصور می‌شود که بحث و تأمل دربارهٔ «جبر و اختیار» مختصّ عالم اسلام و صرفاً مربوط به کلام اسلامی است؛ ولی وقتی توجه می‌کنیم که مفهوم «آزادی» و چیستی و چگونگی و حدود آن از مسائل مهم فلسفهٔ غرب بوده است، درمی‌یابیم که اندیشهٔ غربی در سیر تطورات خود نمی‌توانسته نسبت به مسئلهٔ «جبر و اختیار» بی‌موضع باشد. بررسی نظرات جریانات مختلف اندیشهٔ غربی دربارهٔ این مسئله و تأمل در خاستگاه و تبعات این نظرات، حاوی نکات جالبی خواهد بود.

آگاهی نویسنده از آراء فلاسفه غرب و فلاسفه اسلامی – تا زمان نگارش این کتاب یعنی نیم قرن پیش – و نقل و تجزیه و تحلیل این نظرات، از ویژگی‌های این کتاب است.

ویژگی دوم: تبیین جامع و کامل مسأله جبر و اختیار

بحث جبر و اختیار از سه بعد اخلاقی، کلامی و فلسفی قابل بررسی است. نویسنده به جهت تسلط بر این مباحث، به خوبی از عهده همه این سه بعد برآمده

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

است.

یکی دیگر از ویژگیهای این کتاب آنست که نگاهی جامع نسبت به مسأله جبر و اختیار دارد و این موضوع را از جهات فلسفی و علمی مورد بررسی قرار می‌دهد.

ما در این رساله تا آن جا که ممکن است خواهیم کوشید مطالبی را درباره جبر و اختیار بیان کنیم. ارزیابی ما در مطالب این کتاب بیش از این نیست که تا حدودی مسأله را گسترده مطرح ساخته‌ایم. (جعفری؛ مقدمه کتاب جبر و اختیار)

ویژگی سوم: جبر و اختیار یک موضوع لاینحل نیست.

پرداختن به موضوعی که به نظر دیگران لاینحل است و به همین جهت، ضرورتی در بررسی آن ندیده‌اند.

بعد از چاپ اول این کتاب برخوردها و موضع‌گیری‌های متعددی بوجود می‌آید، به نحوی که مرحوم جعفری در مقدمه چاپهای بعدی توضیحاتی در خصوص این موضع‌گیری‌ها بیان می‌دارند:

«مسأله جبر و اختیار از دیرگاهی مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده است. می‌توان گفت با تتبع کافی در تاریخ ممتد بحث جبر و آزادی، از تقریبا ۱۶ عقیده که تقریباً فروع دو نظریه اصلی هستند مطلع شد. ما ابتدای حقیقی بحث از این مسأله را نمی‌دانیم ولی از متفکرین گذشته، مشهورترین شخصیت علمی و فلسفی که این مسأله را با اهمیت احساس کرده و به طور مفصل و تقریبا منظم مورد تحلیل و بررسی قرار داده، ارسطو است. اگر هم پیش از ارسطو بررسی‌هایی انجام گرفته باشد، به شکل غیر منظم بوده است. به هر حال ارسطو کتاب «الاخلاق الی نیقوماخوس» را نوشته و در کتاب سوم باب ۱۲ و فصل و باب سوم، حدود ۱۶ فصل را به مسأله اراده و اختیار اختصاص داده و در بیان فرق

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

میان کارهای ارادی و اختیاری کوشش‌های فراوان و با ارزش کرده است. پس از آن که آفتاب فرهنگ یونانی غروب می‌کند، این مسأله هم مانند سایر مسایل علمی و فلسفی بایگانی می‌شود. تا آن گاه که درخشندگی فرهنگ اسلامی به جوامع بشری می‌تابد؛ در این موقع، این مسأله مانند سایر مسائل علمی و فلسفی از بوته فراموشی بیرون کشیده می‌شود، و دوباره با دقت بیشتری مورد کاوش قرار می‌گیرد، در حل این مسأله جزوات و کتابهای متعدد نوشته می‌شود. باید این نکته را در نظر گرفت که بررسی اولیه این مسأله، در جزء سایر عقاید فلسفی و کلامی مطرح بوده است در نتیجه چنانکه گفتیم نظریات زیادی در میان فلاسفه و متکلمین به وجود می‌آید» (جبر و اختیار، ص ۱۷-۱۸)

نقد و بررسی کتاب جبر و اختیار

۱- استاد جعفری به مناسبت بررسی اشعار مولوی، تبیین و توضیح بحث جبر و اختیار را در کتاب « شرح و تفسیر مثنوی مولوی» نیز به تفصیل مطرح کرده‌اند. (رک: جعفری؛ شرح مثنوی مولوی؛ ج ۱، ص ۲۷۸-۴۰۰) در آن موضع با اشاره به کتاب حاضر می‌نویسد: «ما در این مسئله، کتابی به نام جبر و اختیار تألیف کرده و مکتبهای مربوط را مورد بررسی قرار داده‌ایم؛ آنچه که در این کتاب (شرح مثنوی) مورد بحث ما قرار می‌گیرد، تعریف اختیار و ملاحظه جبر و اختیار به طور مختصر است.» (جعفری؛ شرح مثنوی؛ ج ۱، ص ۲۷۹) بدین روی، خواننده‌ای که به دنبال بررسی همه جانبهٔ مسئله جبر و اختیار از نگاه مرحوم علامه جعفری باشد باید این بحث را در جلد اول شرح مثنوی نیز مطالعه کند.

۲- در برخی از موارد این کتاب هنگام نقل دیدگاههای دانشمندان یا روایات معصومان، منبع و مأخذی ذکر نمی‌شود. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

- نقلی از موریس مترلینگ در صفحه ۱۱۴.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

– در صفحه ۲۲۵ روایتی از خاندان عصمت نقل است: «لا جبر و لا تفویض ولکن منزلة بین المنزلتین و هی صحة الخلقة و تخلیة السرب و المهلة فی الوقت و الزاد مثلا الراحة و السبب المهیج للفاعل.» این روایت در صفحه ۴۵۹ تحف العقول به نقل از احتجاجات امام رضاعلیه‌السلام آمده است. اما در کتاب استاد جعفری، نه نام امام معصوم ذکر شده است و نه منبع و مأخذ آن قید شده است.

– جملهٔ «حسنات الابرار سیئات المقربین» در صفحه ۲۵۹ به عنوان کلام معصوم ذکر شده ولی بدون مأخذ.

– در صفحه ۲۲۱ نظریه اسفراینی و باقلّانی بدون مأخذ نقل شده است.

۳– نقل قولهای غیر مستقیم و مضمونی که به شکل نقل مستقیم آمده و مشکلاتی در مقام استناد پیش می‌آورد. مانند نقل دیدگاه جبریّون خداشناس (ص ۲۲۷) و تمثیل آیت‌الله خویی (ص ۲۲۶).

حق مطلب آن است که در این موارد، ازگیومه استفاده نشود زیرا چنانکه نویسنده ذکر می‌کنند، این مطلب به صورت مضمون بیان شده و نقل قول مستقیم نیست.

۴– یکی از نکات مهم این کتاب، بیان تفاوت بین دیدگاه فلسفی و یافته‌های فطری در باب اختیار انسان است، با این توضیح که دیدگاه فلسفی بر اساس علیت، نوعی جبر را پیش می‌کشد، ولی انسان به فطرت، اختیار خود را می‌یابد. (جبر و اختیار، ص ۱۵ و ۱۷ و ۱۰۲) این نکته را مصنّف در کتاب دیگر خود، آفاق مرزبانی – که حاصل چند مصاحبه در اواخر عمر با استاد بوده – در ضمن بیان خاطرات خود از درس استادش میرزا مهدی آشتیانی باز می‌گوید.

البته در موضع دیگر از کتاب (ص۹۱) فطری بودن ارادهٔ انسان را "درک سطحی" از آن قلمداد کرده است. سؤال این است که: اگر چنین باشد، پس درک عمیق

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

چیست؟ آیا درک عمیق یعنی نفی ارادهٔ آزاد یا مطلب دیگر؟ توضیح نویسنده در پاسخ به این پرسش چندان گویا نیست.

۵- آخرین استنادها به اندیشمندان غربی، به حدود نیم قرن پیش باز می‌گردد. این نکته، ضرورت روزآمدیِ کتاب را برای ویرایش‌های بعدی یادآور می‌شود؛ در عین حال که اهمیت کتاب را در زمان خود – از این دیدگاه – می‌رساند. چنانکه تبیین‌های کتاب، - به ویژه در فصل اول- در زمان تألیف و نشر نخستین چاپهای آن (دهه۴۰ و۵۰) در برابر مباحث مارکیست‌ها، کارآمد بوده، ولی اکنون با پیچیده‌تر شدن مباحث فلسفی، نیاز به روزآمدی احساس می‌شود.

۶- نویسنده سلطهٔ قانون علیت را چنان فراگیر می‌داند که انکار آن را مترادف با پذیرفتن نظریهٔ تصادف در امور می‌داند. (ص ۳۶) این بحث جای نقدی مفصّل دارد که در جای خود باید بدان پرداخت، و در این مجال امکان بحث آن نیست.

۷- نویسنده، در تقریر جدیدی از علیت، شرط سنخیت را از اصل علیت برداشته، یعنی در بیان‌های سنّتی فلاسفه مسلمان از علیت بازنگری کرده است. (ص ۳۷ و ۲۷۵) این بازنگری افق‌های جدیدی در بحث علیت می‌گشاید که در جای خود، قابل طرح و استنتاج است.

۸- تقسیم انواع کارها و در برابر آن، انواع ترک‌ها به شش نوع، سبب می‌شود که شش نوع جریان روانی پدید آید. تبیین این جریانها یکی از نکات بارز این کتاب است.

۹- در فصل دوم (ص ۲۱۹-۲۲۷) ادعای هفده قول در بحث شده، در حالی که عملاً به سه چهار قول می‌رسد. تعدد قائل، دلیل بر تعدّد اقوال نمی‌شود.

۱۰- از دیگر نکات بارز فصل دوم کتاب، تقسیم اراده به تکوینی و تشریعی (ص۲۳۳) است که برخی گره‌ها را در این بحث سنگین می‌گشاید. همچنین

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

تقسیم‌بندی آیات در باب مشیت و اراده (ص ۲۳۴-۲۴۰) که می‌تواند سرفصل پژوهش‌های جدید در این باب گردد.

۱۱- تنها آیهٔ مربوط به بداء را آیه سورهٔ رعد دانسته (ص ۲۸۵) و این بنابر شهرت است؛ در حالی که امام رضاعلیه‌السلام در مناظره با سلیمان مروزی (که صدوق در توحید و عیون اخبار الرضاعلیه‌السلام آورده) چندین آیه در باب بداء مطرح می‌کند. جامعیت بحث اقتضا دارد که به آن آیات نیز اشاره شود.

۱۲- نقد عقلی نظریهٔ خیامی در باب شرور (ص ۲۸۹-۲۹۶) بحثی جالب و مفید است، به ویژه از آن روی که پیروان آن نظریه، بسیار به این استدلالهای خود تکیه می‌کنند.

۱۳- نکته کلی در فصل ملحقات، آن است که کمتر به روایات استناد شده، با این که عنوان آن، اقتضای رجوع بیشتر به روایات را دارد. باید دانست که رجوع به روایات، در واقع رجوع به بزرگ مردان الهی است که کاملترین عقل موهبتی الهی را دارند و از سویی، عقل آنها آلوده به حجابهای بشری نیست. مثلاً تبیین تفاوت در کلام امام جواد سلام الله علیه که فرمود: "لا یزال الناس بخیر ما تفاوتوا فإذا استووا هلکوا" (امالی صدوق، ص ۴۴۶ مجلس ۶۸) بابی جدید در پاسخ به بخشی از پرسش‌های پرکاربرد می‌گشاید. همین گونه در مباحث دعا و بداء و...

۱۴- برخی نکات نیز به ویراستاران برمی‌گردد. مثلاً:

الف. معرفی اجمالی شخصیت‌های فرنگی که در این کتاب بدانها استناد شده، ضرورت دارد، یعنی زندگی نامهٔ علمی، خاستگاه اندیشه‌ها و دلبستگی‌های فکری آنان.

ب. دسته‌بندی مطالب باید دقیق‌تر و روشمندتر شود.

ج. تجانس بین فصول کتاب نیز باید سامان گیرد. فصل اول، ۲۱۶ صفحه دارد، در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]

حالی که مجموع فصل دوم و سوم و ملحقات، کمتر از صد صفحه در بر گرفته است.

سخن پایانی

کتاب جبر و اختیار، حاصل کوششی است علمی – عملی برخاسته از درد و دغدغه‌ای برای پاسخگویی به پرسشی اساسی، که رنگ کهنگی نمی‌گیرد، به ویژه در زمان تألیف (بیش از نیم قرن پیش) که دورهٔ رواج اندیشه‌های مارکسیستی بوده و نویسنده را به پاسخگویی واداشته است. امّا تجدید چاپ آن در این زمان، الزاماتی دارد که در این مقال بدان پرداخته شد، ضمن بیان محسّنات آن که جای تقدیر دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. فهرست عناوین آثار مکتوب علامه فقید محمد تقی جعفری، کتاب ماه دین، آبان ۱۳۷۷؛ شماره ۱۳.

۲. جعفری؛ محمد تقی؛ جبر و اختیار؛ موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ چهارم؛ تهران؛ ۱۳۸۶.

۳. _____؛ شرح و تفسیر مثنوی مولوی؛ موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۷.

۴. _____؛ تکاپوی اندیشه‌ها، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران ۱۳۷۹.

۵. صدوقی، منوچهر؛ یثربی، سید یحیی؛ گفتگو در باب شخصیت علمی و اخلاقی استاد محمد تقی جعفری؛ سروش اندیشه؛ بهار ۱۳۸۵؛ شماره ۱۴.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.11.3]